۸ کشته در تیراندازی دانشگاه «پرم» روسیه با انگیزه نامشخص

تیراندازی یکی از دانشجویان دانشگاه پرم روسیه در محیط دانشگاه هشت کشته و شش زخمی برجای گذاشت.

ساعت ۱۱ روز گذشته مردی نقابدار در حالی که سلاح به دست داشت و قطار فشنگ به خود آویخته بود، وارد دانشگاه پرم در شرق روسیه شد و شروع به تیراندازی کرد. با وقوع حادثه اساتید و دانشجویان وحشت زده از هر طرف راه فراری پیدا کرده و از کانون حادثه دور شدند. خیلی زود خبر حادثه در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و فیلم فرار دانشجویان از مسیر پنجره کلاس‌ها دست به دست شد. با حضور پلیس در محل تلاش برای متوقف کردن مرد تیرانداز به جریان افتاد و مأموران موفق شدند او را در حالی که مقابل پلیس مقاومت می‌کرد با شلیک گلوله متوقف کنند. براساس گزارش‌های اولیه هشت‌نفر در جریان حادثه جانشان را از دست داده و شش‌نفر هم مجروح و روانه بیمارستان شده‌اند. کمیته رسیدگی کننده به وقوع این حادثه اعلام کرده که مرد مهاجم از دانشجویان این دانشگاه بوده که با شلیک گلوله زخمی و بازداشت شده‌است، اما انگیزه او برای ارتکاب حادثه خونین مشخص نشده‌است. وقوع حوادث خونین در مراکز آموزشی روسیه قبلاً هم اتفاق افتاده‌است. آخرین مورد از آن حادثه‌ای مرگبار است که امسال رقم خورد و در جریان آن جوانی ۱۹ساله در مدرسه کازان در جمهوری تاتارستان روسیه با تیراندازی ۹نفر را با شلیک گلوله به قتل رساند. مأموران پلیس در جریان آن حادثه مهاجم را بازداشت کردند و مشخص شد که او مجوز حمل سلاح نیمه خودکار هم داشته است.

مرگ راکب موتورسیکلت و عابر پیاده در سانحه رانندگی

راکب موتورسیکلت و عابر پیاده در دو حادثه جداگانه رانندگی در تهران جان باختند.

سرهنگ احسان مؤمنی، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ گفت: شامگاه یک‌شنبه مأموران پلیس راهور تهران از حادثه رانندگی در جاده حسن‌آباد با خبر شده و در محل حاضر شدند.

بررسی‌ها نشان داد که حادثه بین دو موتورسیکلت اتفاق افتاده که یکی از راکبان به علت شدت جراحت جانش را از دست داده و دو ترک‌نشین هم مجروح شده‌اند که به بیمارستان منتقل شدند. علت این حادثه در دست بررسی است.

سرهنگ مؤمنی در توضیح دومین حادثه گفت: روز گذشته مأموران پلیس راهور از حادثه رانندگی مقابل پایانه تهرانپارس با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که یک رهگذر در تصادف با موتورسیکلت عبوری جانش را از دست داده است. علت این حادثه عدم توجه به جلو راکب موتورسیکلت اعلام شد.

در خواست قربانی اسیدپاشی از قاضی:

بگذارید اسیدپاش در زندان بماند

دانشجوی رشته مهندسی که با حسادت زنانه هدف اسیدپاشی قرار گرفته و زیبایی‌اش را از دست داده از قاضی رسیدگی کننده به پرونده درخواست کرد اجازه ندهد متهم از زندان آزاد شود. او گفت با این که متهم به پرداخت هزینه درمانی او محکوم شده‌بود، اما خانواده خودش با سختی هزینه‌ها را تقبل کرده‌اند.

به گزارش جوان، ۲۴آبان‌سال۹۵ بود که مأموران پلیس تهران از حادثه اسید پاشی روی دختر جوانی با خبر شدند. بررسی‌ها نشان داد قربانی حادثه در خانه‌شان خواب بوده که فردی روی او مایع اسیدی پاشیده و گریخته‌است. دختر جوان که از ناحیه صورت و یک چشم به شدت دچار سوختگی شده‌بود، پس از بهبودی نسبی گفت که همسر برادرش روی او مایع اسیدی ریخته‌است، او گفت: همراه برادرم و زن برادرم به‌نام فریده در یک ساختمان زندگی می‌کنیم. فریده ارتباط خوبی با خانواده من ندارد، اما من با شوهرم رابطه خوبی داشتم که او حسادت می‌کرد. لحظه حادثه دراز کشیده بودم که ناگهان احساس سوزش شدیدی بدنم را فراگرفت. همان لحظه دیدم فریده که کاپشن برادرم را پوشیده بود از اتاق بیرون دوید.

با شکایت دختر جوان و به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی فریده بازداشت شد. او در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کرد و گفت: لحظه حادثه زنگ خانه به صدا درآمد و بدون اینکه بپرسم چه کسی پشت در است در را باز کردم. بعد صدای «آی سوختم» خواهر شوهرم را شنیدم که به سرعت به اتاقش رفتم و دیدم مرد جوانی که صورتش را پوشانده بود از خانه فرار کرد.

در حالی که متهم منکر اسیدپاشی بود بررسی‌های پلیس نشان داد هیچ یک از ادعاهای او صحت ندارد و لحظه حادثه هیچ مرد غریبه‌ای به خانه آنها وارد نشده‌است. بدین ترتیب هیئت قضایی پس از صدور کیفرخواست متهم را مجرم شناختند و وی را به ۱۰ سال حبس محکوم کردند.

در حالی که پنج‌سال است از حادثه اسیدپاشی گذشته‌بود متهم در زندان از قاضی شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران درخواست کرد که با گذاشتن وثیقه از زندان آزاد شود. پس از درخواست متهم، قربانی اسیدپاشی صبح دیروز به دادسرای امور جنایی تهران آمد و از قاضی درخواست کرد که همسر برادرش را با وثیقه از زندان آزاد نکند.

دختر جوان که یک چشم، بینی و قسمت زیادی از صورتش را از دست داده‌بود، گفت: همسر برادرم به خاطر حسادت زندگی‌ام را نابود کرد. پس از حادثه ۳۰ بار زیر تیغ جراحی رفتم تا به زندگی عادی برگردم اما هیچ فایده‌ای نداشت. ۵۰میلیون تومان هزینه کردم. متهم قرار بود هزینه عمل‌های جراحی من را پرداخت کند، اما هیچ مبلغی به من کمک نکرد و در این مدت خانواده‌ام با دست‌خالی و فروش اموالشان هزینه درمانم را تأمین کردند. به گفته پزشکان من باید چند عمل جراحی دیگر انجام دهم، اما مشکل مالی دارم و خانواده‌ام توان پرداخت این همه هزینه را ندارند و از سوی دیگر هیچ ارگان و نهاد دولتی‌ام به من کمکی نکرد. وی ادامه داد: همسر برادرم پس از حادثه نه تنها اظهار پشیمانی نکرد بلکه همیشه مرا تهدید کرد، او حتی تهدید کرده زمانی که آزاد شود بلای سختی سر خانواده‌ام می‌آورد و به همین خاطر وقتی متوجه شدم درخواست آزادی داده تصمیم گرفتم به دادسرای امور جنایی بیایم و با درخواست آزادی او مخالفت کنم.

وی در پایان گفت: پس از حادثه با این چهره خانه‌نشین شدم در صورتی که قبل از حادثه من دانشجوی رشته مهندسی صنایع بودم و قرار بود به‌زودی ازدواج کنم اما پس از اسیدپاشی نامزدم دیگر به سراغم نیامد. من از مسئولان درخواست دارم به من کمک کنند و از قاضی محترم درخواست دارم با درخواست آزادی متهم موافقت نکند.

قتل مهندس دستفروش در روز گزینش

مردی که متهم است مهندس دستفروش را به قتل رسانده روز گذشته پای میز محاکمه ایستاد. مادر مقتول به دادگاه گفت روزی که پسرش را به خاک می‌سپرد گزینش او در شهرداری در حال انجام بود.

به گزارش جوان، سال ۹۷ مأموران پلیس تهران از درگیری خونین در چهارراه ولیعصر باخبر و راهی محل شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد درگیری بین چند مرد دستفروش اتفاق افتاده‌است و در آن درگیری مرد جوانی به نام مجید با ضربه چاقو کشته شده است و چند نفر دیگر نیز زخمی و راهی بیمارستان شده‌اند.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و در روند تحقیقات ۹مرد جوان به اتهام شرکت در نزاع دسته‌جمعی دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفتند.

متهمان در روند بازجویی‌ها مدعی شدند آن شب مقتول کری‌خوانی می‌کرد و بعد از شروع درگیری با چاقو به طرف آنها حمله کرده‌بود. سپس همگی ادعا کردند نمی‌دانند چه کسی ضربه کاری را به مقتول زده‌است.

با ثبت این اطلاعات تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه مأموران یکی از متهمان به نام محمد را که یک‌سال پیش در همان چهارراه ولیعصر به یک راننده حمله و او را مورد ضرب و جرح قرار داده‌بود و چندماه بعد با یک مأمور پلیس درگیر شده بود را مورد تحقیق قرار دادند، اما او بار دیگر قتل را انکار کرد و گفت نمی‌داند چه کسی به مقتول ضربه زده‌است.

■ صدور کیفرخواست

محمد بعد از رضایت مأمور پلیس اما بنا به شواهد و قرائن موجود، به اتهام مباشرت در قتل عمد و ضرب و جرح راننده خودروی پراید راهی زندان شد و هشت‌متهم دیگر نیز به اتهام شرکت در نزاع دسته‌جمعی منجر به قتل به زندان رفتند.

پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا اینکه بعد از تعیین وقت روی میز هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه قرار گرفت.

■ درخواست قصاص

با اعلام رسمیت جلسه مادر مقتول در حالی که به شدت اشک می‌ریخت در جایگاه قرار گرفت و گفت: «ما در شهرستان خمین زندگی می‌کنیم. مجید در رشته مهندسی عمران تحصیل کرده‌بود و بعد از اتمام درسش تصمیم گرفت به تهران برود تا کار مناسبی پیدا کند. برای او یک خانه در تهران اجاره کردیم و برایش اسباب و اثاثیه هم خریدیم. قرار بود در شهرداری مشغول کار شود، اما در این مدت با پیشنهاد یکی از همشهری‌ها سر چهارراه ولیعصر می‌رفت و دستفروشی می‌کرد. نوید که الان یکی از متهمان است از همشهری‌های ماست. او از بچگی به خانه ما می‌آمد و سر سفره ما نشسته بود. او وقتی فهمید قرار است پسرم به محل کسب او برود و دستفروشی کند خط و نشان کشید و دیگران را تحریک کرد تا با پسرم درگیر شوند. در واقع او شروع کننده درگیری بود. از او توقع نداشتم. ما با هم نان و نمک خورده بودیم.»

مادر مقتول در حالی که به شدت اشک می‌ریخت، گفت: «روز تشییع جنازه پسرم از شهرداری تماس گرفتند و خواستند برای گزینش به آنجا برود. گفتیم پسرمان زیر خروارها خاک خوابیده است. برای عامل قتل درخواست قصاص و برای دیگر متهمان نیز درخواست اشد مجازات دارم.»

در ادامه دیگر شاکی نیز در جایگاه ایستاد و در طرح شکایت خود گفت: «سال ۹۶ با خودروام از چهار راه ولیعصر عبور می‌کردم که پشت چراغ قرمز با راننده‌ای بحثم شد. همان موقع مرد راننده با محمد تماس گرفت و متهم همراه دوستانش با چاقو و قمه به آنجا آمدند و به من حمله کردند. من شوکه شده‌بودم. محمد به من که هیچ دفاعی نداشتم و آنها را نمی‌شناختم حمله کرد و با چاقو ضربه‌هایی به کتف، سینه و بازویم زد که به شدت آسیب دیدم. وقتی به بیمارستان رفتم آنها متواری شدند تا اینکه فهمیدم او در درگیری با یک مأمور پلیس بازداشت شده است. از او شکایت دارم و برایش درخواست اشد مجازات دارم.»

■ انکار قتل

سپس محمد در جایگاه ایستاد و جرمش را انکار کرد. او در شرح ماجرا گفت: «سال‌ها در چهارراه ولیعصر بساط فلافل، چای و قلیان داشتم. آن شب به آنجا رفته بودم تا سری به بساط‌هایم بزنم که یکباره با مقتول و برادرش روبه‌رو شدم. او به تازگی در آنجا مشغول کار شده‌بود و دستفروشی می‌کرد. مجید همراه برادر و دوستش که همگی قمه و چاقو داشتند جلو آمد و شروع به کری‌خوانی کرد و گفت کسی حق ندارد آنها را تهدید کند.»

متهم ادامه داد: «از ماجرای تهدید او بی خبر بودم به همین خاطر سعی کردم او را آرام کنم، اما مجید با یکی دیگر از دستفروش‌ها درگیر شد و آن مرد با چاقو یک خراش روی صورتش انداخت و خودزنی کرد. همچنان این کشمکش‌ها ادامه داشت که یکباره مجید یک ضربه به یکی از دوستانم زد و سپس چاقو را رها کرد و به دست من خورد. بازویم شکافته شده بود و همچنان خون می‌رفت به همین خاطر عصبانی شدم و میله‌ای را که روی زمین افتاده‌بود، برداشتم و به طرف او پرتاب کردم. او میله را گرفت و دوباره چاقو را به طرفم پرتاب کرد که این بار ساعد دستم زخمی شد. مشغول دیدن زخم دستم بودم و سرم پایین بود، اما وقتی سرم را بالا گرفتم فهمیدم مجید پایش زخمی شده است. احتمال می‌دهم زمانی که چاقو را به طرف من پرتاب کرده با پای خودش نیز برخورد کرده‌بود.»

او گفت: «مقتول روی زمین نشسته‌بود که دیدم یکی از دستفروش‌ها با میله ضربه‌های محکمی به سرش می‌زند. همان موقع دوستم که باضربه چاقوی مقتول کلیه‌اش آسیب دیده‌بود را سوار ماشین کردم و به بیمارستان بردم فردای آن روز فهمیدم مجید فوت کرده است.»

در ادامه دیگر متهمان که با قرار وثیقه آزاد بودند یک به یک در جایگاه ایستادند و با تأیید این توضیحات از خودشان دفاع کردند.

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

به خاطر هیچ

مرد جوانی که شش‌سال قبل پسر جوانی را در پارک فلاح به قتل رسانده‌بود در زندان رجایی‌شهر کرج قصاص شد.

به گزارش جوان، ساعت ۳ بعد از ظهر یکشنبه ۱۸ بهمن‌سال ۹۴ بود که مأموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر با تماس تلفنی شهروندی از درگیری خونینی در یکی از پارک‌های منطقه فلاح با خبر و راهی محل شدند.

مأموران پلیس در محل حادثه با پیکر خونین و نیمه جان دو پسر جوان روبه‌رو شدند و آنها را برای نجات جانشان به بیمارستان منتقل کردند، اما یکی از پسران زخمی قبل از رسیدن به بیمارستان در میان راه بر اثر شدت جراحات و خونریزی شدید به کام مرگ رفت. با مرگ پسر جوان که حسام نام داشت پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس‌آگاهی به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی موضوع وارد عمل شدند. نخستین بررسی‌ها نشان داد ضارب همان پسر زخمی است که در بیمارستان بستری است. بدین ترتیب مأموران پلیس پس از بهبودی نسبی از وی تحقیق کردند. پسر جوان با اعتراف به قتل حسام و اظهار پشیمانی درباره حادثه گفت: من و حسام بچه یک محل هستیم و حدود ۱۰ سال است که یکدیگر را می‌شناسیم. ما هیچ مشکلی با هم نداشتیم، اما مردادماه سال ۹۴ من در یک مراسم عروسی شرکت داشتم که برادر مقتول با من درگیر شد و در آن درگیری با چاقو مرا زخمی کرد و از محل گریخت. پس از این حادثه من از او شکایت کردم، اما مدتی بعد با میانجیگری دوستان و از آنجایی که با آنها دوست بودم گذشت کردم تا اینکه مدتی بعد فهمیدم آنها از اینکه من زخمی شده بودم خوشحال هستند و این موضوع را برای دیگر دوستانشان تعریف می‌کنند.

من دوباره از او شکایت کردم، اما پس از چند ماه فهمیدم که ضارب از ایران رفته است. پس از این اختلاف‌های ما و حسام شروع شد و از اینکه من از برادرش شکایت کرده بودم ناراحت بود.

■ درگیری مرگبار

روز حادثه در راه خانه بودم که یکی از دوستانم گفت حسام دنبال من می‌گردد و در پارک منتظر من است.

از آنجایی که احتمال می‌دادم او قصد درگیری دارد به خانه‌مان رفتم و دو عدد چاقو برداشتم و به پارک رفتم. در نزدیکی پارک حسام کنار کامیون پدرزنم ایستاده‌بود که به طرف من حمله کرد و با چاقو چند ضربه به من زد. با دستانم دفاع می‌کردم تا اینکه روی شمشادهای پارک افتادم و حسام نیز به سراغ ما آمد و دوباره با چاقو به من ضربه زد که ناگهان صدای «آی سوختم» او به آسمان بلند شد و بعد از آن هم چند نفری به کمک ما آمدند و ما را در حالی که زخمی بودیم جدا کردند. متهم پس از اعتراف به درگیری مرگبار مدعی شد که در درگیری از خودش دفاع کرده‌است، اما بررسی‌های مأموران نشان داد متهم قبل از درگیری به خانه‌شان رفته و دو عدد چاقو برداشته است و مقتول هم در درگیری یکی از چاقوهای قاتل را از او گرفته و با آن به قاتل ضربه‌زده‌است. بدین ترتیب ادعای دفاع از خود متهم رنگ باخت و متهم در دادگاه کیفری یک استان تهران از سوی هیئت قضایی به قصاص محکوم شد. حکم قصاص قاتل پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام داد سرای امور جنایی فرستاده شد تا اینکه چند روز قبل قاتل مرد جوان در زندان رجایی‌شهر کرج قصاص شد.

دندانپزشک قلابی بازداشت شد

دندانپزشک قلابی که متهم است با دایر کردن مطب بیماران را درمان می‌کرد بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ نادر مرادی معاون نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت عمومی گفت: چند روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید که فردی با جعل مدارک دندانپزشکی مطبی حوالی محله مسعودیه دایر کرده و در حال درمان بیماران است و بابت درمان هم هزینه کلانی از بیماران دریافت می‌کند. مأموران پلیس بعد از تحقیق در این باره همراه نماینده شبکه بهداشت در محل حاضر شده و متهم را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و به همراه پرونده راهی دادسرا شد.

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادرگردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در بخش نه ثبت آمل-دهستان لیتکوه

۷۵-اصلی(قریه تاری محله) : ۲۶ فرعی آقای مصطفی حسن پور در شش دانگ یک قطعه زمین با ساختمان احداثی با کاربری مسکونی که چهل سیر مشاع از دویست و چهل سیر عرصه موقوفه است به مساحت ۱۶۱۸.۹۰ مترمربع خریداری شده بلاواسطه از موسی حسن پور مالک نسق زراعی، لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی /کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها ، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده،واحد ثبتی با رأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود،مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع می رساند و سپس نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود،واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید .تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۰/۰۶/۱۶ نوبت دوم ۱۴۰۰/۰۶/۳۰ .م/الف

فیض اله ذبیحی-سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آمل
شناسه آگهی : ۱۱۸۴۶۵۸

برگ سبز سواری پژو ۲۰۶sd tu۵ مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۶۶B۰۰۴۲۷۸۴ وشماره شاسی ، NAAP۴۱FE۳LJ۰۷۲۷۴۸ وشماره پلاک ۶۴۹م۶۸ ایران ۶۹ مفقود گردیده وازدرجه اعتبار ساقط است./ گلستان

برگ سبز موتورسیکلت سپند به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۶ به شماره موتور ۱۲۱۰۲۵۳۱ و به شماره تنه ۸۶۶۵۳۴۴ و به شماره انتظامی ۴۲۸۳۳-۳۹۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
تبریز

برگ اعلام وضعیت(برگ سبز) تراکتور مدل ۱۳۸۷ تک دیفرانسیل ITM۲۸۵۲WDA و به شماره انتظامی ۱۵ ایران ۹۴۲ ک ۱۱ و به شماره موتور LFW۰۸۹۲۷U و به شماره شاسی G۰۸۰۴۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
تبریز

مفقودی
سند کمپانی خودرو سواری سیستم : ام وی ام تیپ : NEW ۳۱۵ رنگ : سفید - روغنی مدل: ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۲۷۴ ص ۴۱ ایران ۸۴ شماره موتور : MVM۴۷۷FJAG۰۴۷۷۵۱ شماره شاسی : NATFBAKDXG۱۰۱۱۲۴۰ به مالکیت خانم فرزانه شاهی با شماره ملی ۳۳۸۰۵۳۴۴۵۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
هرمزگان

مفقودی
برگ سبز خودرو سواری سیستم : پژو تیپ : -۴۰۵GLX XU۷رنگ : خاکستری – متالیک مدل: ۱۳۹۷به شماره انتظامی ۹۳۱ ل ۲۳ ایران ۹۴شماره موتور :۱۲۴K۱۱۸۹۴۳۸شماره شاسی: NAAM۰۱CE۹JK۳۹۱۸۱۱به مالکیت آقای شهاب ستوده با شماره ملی ۳۴۵۰۲۲۳۵۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
هرمزگان

مفقودی
سند کمپانی خودرو سواری هاچ بک سیستم: پژو تیپ: ۲۰۶TU۳ رنگ: سفید-روغنی مدل: ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۸۳۹ ب ۸۳ ایران ۹۴ شماره موتور : ۱۶۵A۰۰۲۹۷۲۰ شماره شاسی : NAAP۰۳EE۹FJ۲۱۹۵۷۲ به مالکیت آقای داوود ذاکری با شماره ملی ۳۴۲۲۰۳۷۸۱۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
هرمزگان

کارت ملی محمدرضاشهمرادی فهرجی شماره ملی ۰۰۷۹۵۸۸۲۲۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است